





درس دوم

فرهنگ جهانی

مدرس : گلناز عمرانی

فرهنگ‌های مختلف، گسترهٔ جغرافیایی و تداوم تاریخی یکسانی ندارند. در طول زمان، در سرزمینی واحد، فرهنگ‌های متفاوتی پدید می‌آیند و در زمانی واحد در سرزمین‌های متعدد، فرهنگ‌های گوناگونی شکل می‌گیرند

عمر برخی از فرهنگ‌ها کوتاه و برخی دیگر طولانی است.

برخی در مناطقی محدود به وجود می‌آیند و از مرزهای جغرافیایی خود عبور نمی‌کنند ولی برخی دیگر گسترش بسیاری دارند.

نه تنها فرهنگ‌ها بلکه عناصر و اجزای فرهنگ‌ها نیز اینگونه اند؛ برخی عناصر فرهنگی، تداوم تاریخی و گسترش جغرافیایی بیشتری دارند و برخی اینگونه نیستند

فرهنگ جهانی

فرهنگ های مختلف و اجزا و عناصر آنها گستره جغرافیایی و تداوم تاریخی یکسانی ندارند یعنی:



۱- در طول زمان در یک سرزمین واحد فرهنگ های متفاوتی پدید می آید .

۲- در زمان واحد در سرزمین های متعدد ، فرهنگ های گوناگونی شکل می گیرد .

۳- برخی از فرهنگ ها عمری کوتاه دارند و برخی مدت طولانی دوام می آورند .

۴- برخی فرهنگ ها در مناطق محدود به وجود می آیند و از مرزهای جغرافیایی خود عبور نمی کنند ولی برخی دیگر گسترش بسیاری دارند .

در سرزمین ایران در طول تاریخ چه فرهنگ هایی شکل گرفته و چه عناصری از این فرهنگ ها باقی مانده است ؟

فرهنگ دینی : مراسم تاسوعا و عاشورای حسینی
فرهنگ اساطیری : جشن نوروز - جشن یلدا

فرهنگها متنوع اند

و این تنوع به عقاید و
ارزشهای اساسی و
کلان آنها
برمیگردد.

یعنی روح و شالوده
فرهنگها متنوع است

فرهنگها از نظر
گستره جغرافیایی
و تداوم تاریخی نیز
متنوع اند.

چه فرهنگهایی جهانی
میشوند؟

فرهنگی که از مرزهای جغرافیایی و قومی عبور میکند و در
جهان گسترش مییابد فرهنگ جهانی است.

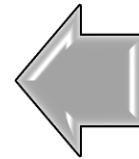
فرهنگهایی که عقاید و ارزشهای آنها مربوط به قوم و
منطقه خاصی است، از محدوده قومی
و منطقهای خود فراتر نمیروند و جهانی نمیشوند؛

مگر اینکه نسبت به سایر اقوام
و مناطق نگاه سلطه جویانه
داشته باشند

در طول تاریخ،
فرهنگ‌هایی وجود داشته
اند که از مرزهای
جغرافیایی خود عبور
کرده و
به سوی جهانی شدن
گام برداشته اند. این
فرهنگ‌ها دو گونه اند:



گونه نخست: فرهنگی است که
عقاید، ارزش‌ها یا هنجارهای
آن متعلق به قوم، منطقه یا
گروه خاصی است ولی نگاهی
سلطه جویانه دارد. چنین
فرهنگی با عبور از مرزهای
جغرافیایی خود، جهان را به دو
منطقه مرکزی و منطقه
پیرامونی تقسیم میکند.
منطقه مرکزی، منطقه
پیرامونی را به خدمت میگیرد



فرهنگ صهیونیسم و
فرهنگ سرمایه داری دو
نمونه از این گونه اند

آیا میدانید
صهیونیسم چه
آرمانها و ارزشهایی
دارد؟



آرمانها و ارزشهای صهیونیسم،
نژاد خاصی را مورد توجه قرار
میدهد و با رویکرد دنیوی خود،
دیگران را در خدمت به آن نژاد
به کار میگیرد



فرهنگ صهیونیسم
و فرهنگ سرمایه
داری دو نمونه از این
گونه اند

در مورد
فرهنگ سرمایه
داری چه می
دانید؟



سرمایه داری کانون
ثروت و قدرت را مورد
توجه قرار میدهد و
کشورهای دیگر را در
پیرامون آن به خدمت
می گیرد.



فرهنگی که تسلط یک قوم، جامعه یا
گروهی خاص را بر دیگران به دنبال می
آورد و دیگر اقوام، جوامع و گروهها را
به ضعف و ناتوانی می کشاند، فرهنگ
سلطه یا استکبار است

گونه دوم: فرهنگی است
که عقاید، ارزشها و
هنجارهای آن در خدمت
گروه و قوم خاصی
نیست بلکه سعادت همه
انسانها را دنبال میکند و
از عقاید و آرمانهای
مشترک انسانی
سخن میگوید



فرهنگی که عقاید،
ارزشها، هنجارها و
رفتارهای آن مطابق
نیازهای فطری باشد
همان فرهنگ حق است.



فارابی جامعه ای را که
عقاید و ارزشهای آن حق
باشد
اما هنجارها و رفتارهای
آن موافق و همسو با حق
نباشد، مدینه فاسقه
مینامد

با هم تکمیل کنید

پیامد	نمونه ها	انواع فرهنگ ها براساس قابلیت جهانی شدن
.....		دارای ارزش های عام و جهان شمول
.....		دارای ارزش های قومی و قبیله ای با نگاه سلطه جویانه
.....		دارای ارزش های قومی و قبیله ای بدون نگاه سلطه جویانه

عقاید و ارزشهای
فرهنگ جهانی باید
عقاید

و ارزشهای مشترک
انسانی باشد که از آنها به
عقاید و ارزشهای عام و
جهانشمول یاد
میشود.

فرهنگ جهانی
مطلوب چه
ویژگیهایی دارد؟

● تصور کنید ما انسان‌ها برای تشخیص صحیح یا غلط بودن اندیشه‌ها، افکار و اعمال هیچ گونه میزان و معیاری نداشتیم در آن صورت، چه وضعیتی پیدا می‌کردیم؟ در چه صورت یک فرهنگ از چنین معیارهایی محروم می‌شود؟ فرهنگ‌هایی که به **حقیقتی** قائل نباشند، نمی‌توانند معیار و میزانی برای سنجش عقاید و ارزش‌های مختلف داشته باشند و در نتیجه، نمی‌توانند از حقانیت ارزش‌های خود دفاع کنند.

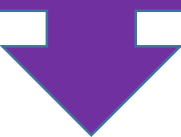
● آدمی دربارهٔ مرگ و زندگی خود پرسش‌های بنیادینی دارد که باید به آنها پاسخ داده شود. او علاوه بر نیازهای مادی و دنیوی، نیازهایی ابدی و معنوی دارد. فرهنگی که صرفاً متوجه نیازهای مادی و دنیوی انسان است و از نیازهای ابدی و معنوی او چشم‌پوشی می‌کند، بشر را به بحران‌های روحی و روانی گرفتار می‌سازد. فرهنگ جهانی باید از **معنویت** که ارزشی جهان‌شمول است، برخوردار باشد.

• در چه صورت می‌توان از قطبی شدن جهان، بهره‌کشی ظالمانه برخی انسان‌ها و جوامع از برخی دیگر و در نتیجه، پایمال شدن حقوق انسان‌ها جلوگیری کرد؟ چگونه می‌توان از تفرقه بین جوامع و تباه شدن منابع و امکانات بشر پیشگیری کرد؟ چاره این امر، ارزش جهان‌شمول **عدالت** است. فرهنگ جهانی باید در لایه‌های مختلف خود به این ارزش معتقد و پایبند باشد.

«آسمان‌ها و زمین با عدالت پابرجا می‌مانند.» (پیامبر اکرم ﷺ)

• برخی قید و بندها مانع رسیدن انسان به کمال و حقوق انسانی‌اش می‌شوند و زمینه ظلم بر او را فراهم می‌کنند. فرهنگ جهانی باید آزادی انسان از این قید و بندها را تأمین کند. آزادی همواره دو پرسش به همراه دارد: آزادی از چه؟ آزادی برای چه؟ زیرا آزادی همواره رهایی از یک امر برای رسیدن به امری دیگر است. به این پرسش‌ها براساس ارزش‌های جهان‌شمول دیگر مانند حقیقت، معنویت و عدالت پاسخ داده می‌شود. با پاسخی که به این دو پرسش داده می‌شود، معنای آزادی مشخص می‌گردد.

● برخی فرهنگ‌ها جبرگرا و غیرمسئول‌اند.



آنها نقش انسان‌ها در تعیین سرنوشتشان را انکار

می‌کنند، قدرت مقاومت را از آدمیان می‌گیرند، آنها را به موجوداتی منفعل تبدیل می‌کنند و زمینه نفوذ سلطه‌گران را فراهم می‌آورند.

فرهنگ جهانی باید روحیه **تعهد و مسئولیت** را در انسان‌ها ایجاد کند تا زمینه گسترش و تحقق عقاید و ارزش‌های جهان‌شمول را فراهم آورد.

فرهنگ جهانی باید دارای دو سطح از عقلانیت است

ابتدا باید به پرسشهای بنیادین بشر دربارهٔ انسان و جهان پاسخ دهد. اگر فرهنگی نتواند به این پرسشها پاسخ دهد، توانایی دفاع از هویت خود را نخواهد داشت.

انسان علاوه بر پرسشهای بنیادین، در شرایط تاریخی مختلف با پرسشها و نیازهای متفاوتی مواجه میشود. فرهنگ جهانی باید توانایی پاسخ به پرسشهای ثابت بشر و پرسشهای متغیر را داشته باشد و براساس عقاید و ارزشهای بنیادین خود، به این پرسشها و نیازهای متغیر پاسخ مناسب بدهد

مثلا معنای زندگی و مرگ پرسش همیشگی بشر است ولی بحران زیست محیطی درحالی که مسئله دیروز او نبوده، مسئله امروز اوست و چه بسا فردای تاریخ مسئله او نباشد یا صورت دیگری پیدا کند

آیا تأکید بر اشتراکات و شباهت‌ها در فرهنگ جهانی، مستلزم نادیده گرفتن تفاوت‌هاست؟ قبول تفاوت‌ها و محترم شمردن آنها در فرهنگ جهانی اهمیت بسیاری دارد. پذیرش تفاوت‌ها از صلح جهانی در برابر جنگ و خشونت محافظت می‌کند و انگیزه شناخت متقابل جوامع و فرهنگ‌ها را فراهم می‌آورد. «ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست.» (حجرات: ۱۳)

مراسم حج نمونه بارز تأکید هم‌زمان بر شباهت‌ها و تفاوت‌های میان انسان‌ها و فرهنگ‌هاست. در این مراسم، انسان‌ها – از زن و مرد گرفته تا اقوام، ملت‌ها و نژادهای متفاوت – در جایگاهی برابر در یک مکان و زمان جمع می‌شوند و در کنار یکدیگر در مسیر خداپرستی رشد می‌کنند.

پیش از این، دربارهٔ تناسب زندگی فردی با زندگی فرهنگی سخن گفتیم. اگر فرهنگ جهانی ویژگی‌های جهان شمول گفته شده را داشته باشد، انسان‌هایی که در چنین فرهنگی پرورش می‌یابند چه ویژگی‌هایی خواهند داشت؟ چه انسان‌هایی و با چه ویژگی‌هایی می‌توانند چنین فرهنگی را پدید آورند؟

ویژگی های فرهنگ مطلوب جهانی	توضیحات
.....	
.....	
.....	
.....	
.....	
عقلانیت	- پاسخ به پرسش های ثابت بشر - پاسخ به پرسش های متغیر بشر

مفاهیم اساسی

فرهنگ جهانی

خلاصه کنید

فرهنگی که از مرزهای جغرافیایی و قومی عبور می کند
و در پهنه جهان گسترش می یابد، فرهنگ جهانی است.

[illegible]